

زندگینامه شهید عبدا... قریشی

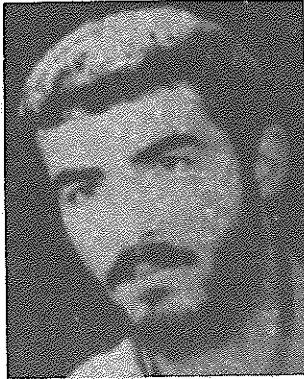
بسم الله الرحمن الرحيم

شهید قریشی در سال ۱۳۳۰ در شهر آمل متولد گردید. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در همان شهر بپایان رسانید. بعد از آن تحصیلات عالی خود را در رشته حقوق دانشگاه ملی به اتمام برد. و سپس برای گذراندن دوره سربازی در سال ۱۳۵۶ وارد پادگان نیروی هوائی بابلس گردید و بعلت اعتقادات مذهبی و آگاهی و حمایت از اسلام و انقلاب اسلامی و امام، نیروی هوائی بابلس را بسیج نموده تا با تظاهرات پرشکوهی این نیرو را در بابلس بمردم ملحق گردانید.

وی بعد از پیروزی انقلاب و به علت علاقه شدیدش به رشته تحصیلی خود در قسمت عمران اراضی دادگستری خلخال مشغول انجام وظیفه شد. بعد از آن با گذراندن دوره‌ای در حقوق اسلامی بعنوان دادیار دادگاه انقلاب اسلامی همدان مشغول کار شد و به علت دوری راه و مشکلات خانوادگی تقاضای انتقال به آمل را نمود. شهید در این اواخر بعنوان رئیس دادگاه مدنی خاص دادگستری آمل انجام وظیفه میکرد.

شهید در سال چهارم دانشکده خود ازدواج نمود و صاحب فرزند پسری شد.

شهید قریشی در جریان حمله مزدوران جنگلی بشهر قهرمان و حزب... آمل در روز ششم بهمن ۱۳۶۰ بفوز عظیم شهادت نائل آمد.



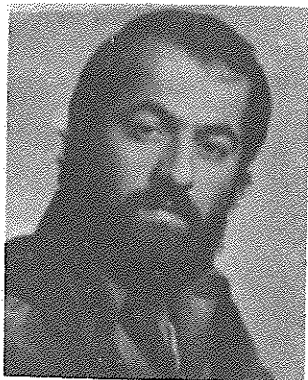
زندگینامه پاسدار شهید محمد ذوالفقاری
بسم الله الرحمن الرحيم

شهید محمد ذوالفقاری در سال ۱۳۳۹ در روستای میانرود، در یک خانواده مذهبی و بی بضاعت متولد شد از آنجائیکه در روستا و در یک خانواده کشاورز و کم درآمد متولد شده بود، از همان اوایل از نزدیک با درد و رنج و سختی آشنا شد و این دردها را با گوشت و پوست خود لمس کرد.

شهید از اوان دوران کودکی با آنکه درس میخواند بکار مشغول شد تا اینکه زمزمه‌های انقلاب بگوش وی رسید. فعالیت‌های مذهبی را در محل گسترش می‌داد و با شرکت در تمام راهپیمائی‌ها و پخش اعلامیه‌های امام در محلات نزدیک و شعارنویسی روی دیوارها خدمتی در حد توانش به انقلاب اسلامی می‌نمود، تا اینکه انقلاب بلطف خدا پیروز شد. شهید با این حال دست از کار کشاورزی نمی‌کشید چراکه علاقه زیادی به کار کشاورزی داشت و در این مدت در تهیه فیلم و دعوت سخنران و پخش کتاب و ارشاد کردن جوانان و پخش پوستر به روستاهای دور دست مشغول تلاش بود طوری که هیچوقت بیکار نبود. از خصوصیات اخلاقی شهید صبرش را میتوان گفت که در برابر مشکلاتی که در انجام کارها برایش پیش می‌آمد بسیار بردباری نشان میداد. شعور انقلابییش باعث میشد که

با مخالفین این انقلاب و اسلام سازش نکند و همیشه چه لفظاً و چه عملاً با آنها درگیر باشد. بعدها شهید به این فکر افتاد که به سپاه بیاید چون فکر میکرد که میتواند در سپاه خدمت بیشتری به اسلام و انقلاب بکند. در سپاه قائمشهر تقاضای عضویت نمود و بعد از قبول به آموزش رفت تا بتواند در مقابل دشمن مقاومت کند. بعد از آموزش جهت سرکوبی ضد انقلابیون داخلی عازم جنگلهای آمل شد و مدتی در آنجا انجام وظیفه کرد.

در درگیری داخل شهر آمل از اولین افرادی بود که به مقابله با ضد انقلابیون برخاست و در حین درگیری و دفع دشمن گلوله‌ای از جانب مزدوران شرق و غرب که هدفی جز خدمت به اجنبی نداشتند به بدن مطهرش اصابت کرد و بر اثر خونریزی زیاد به لقاء خدایش شتافت.



زندگینامه شهید فضل... سلیمانی

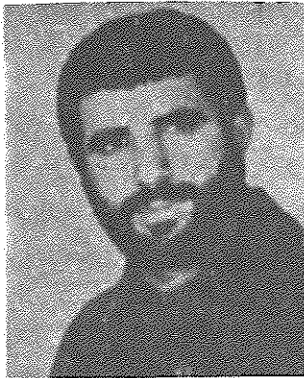
بسم الله الرحمن الرحيم

شهید فضل الله سلیمانی در سال ۱۳۲۹ در روستای شنگلده لاریجان
آمل متولد و در سن هفت سالگی راهی دبستان گردید، تا اینکه در سال
۱۳۴۳ ششم ابتدائی را به اتمام رسانید. شهید از آن زمان به بعد بعزت
کمبود امکانات مالی ترك تحصیل نمود و به کارگری پرداخت.

با رشد در خانواده‌ای مذهبی، عشق و علاقه‌ای خاص بمکتب اسلام
و خاندان نبوت و رسالت داشت. با برادران حوزه علمیه قم و با رهبران
مذهبی در تماس بود و از آنجا اعلامیه‌های امام را مخفیانه در بین مردم
شهر و روستا برای رشد و آگاهی‌شان پخش میکرد. او در آشکار ساختن
حیانت‌های رژیم طاغوت می‌کوشید و همگام با ملت انقلابی و برادران خود
در تمام صحنه‌ها حضور فعال داشت. در روزهای ورود امام امت و در
درگیری ۲۲ بهمن تلاش و فعالیت داشت با اوج‌گیری انقلاب در تسخیر
اکثر پادگانها و مراکز مهم به‌مراه ملت شهیدپرور شرکت داشت و بارها
با ضد انقلابیون درگیر می‌شد.

شهید دارای دو فرزند میباشد. وی در تاریخ ۶/۱۱/۶۰ در حین
درگیری شدید از بسیج سپاه منطقه لاریجان به آمل آمد و با غیرت‌اسلامی
وارد صحنه کارزار شد. پس از چندین ساعت درگیری با خودفروختگان،

در کوچه و خیابانهای شهر با دیگر برادران خود که درس آزادگی و شهادت را از سرور و سالار شهیدان آموخته بودند بصف شهدای پاکباخته کربلا پیوست.



وصیتنامه پاسدار شهید حمیدرضا ایزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون.
«براستی کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده میندارید بلکه آنان زنده‌اند
و در راه خدا ایشان روزی داده میشوند».

اینجانب وصیت میکنم اگر در راه خدا شهید شدم مقداری پول در
بانک است که از فروش طلای همسرم میباشد اگر او رضایت داد مصرف
جنگ زدگان و جبهه شود.

همسرم را نصیحت میکنم که راه زینب را طی کند و فرزندم را برای
اسلام بزرگ نماید و هدیه کند. پدرجان همسرم آزاد است اگر خواست از
شما جدا شود سرپرستی فرزندم را شما بعهده بگیرید. خدایا شهادتم در راه
اسلام و قرآن را که خاری در چشم دشمنان است بپذیر.

امروز به ندای حسین زمانم خمینی بت شکن فریاد لبیک را سرمیدهم
و تا آخرین قطره خونم دست از چنین رهبری و چنین مکتبی نخواهم
کشید. بفرموده پیغمبر (ص) اولین قطره خون شهید که بر زمین ریخته
شود تمام گناهانم پاک میشود. بارالها گناهایی از من سرزده، ولی با شهادتم
گناهانم را پاک کن. اما پدر و مادر عزیزم شما منتظر آمدن من نباشید چون

من منتظر شهادت بودم و به آن رسیدم و در بهشت منتظر شما هستم .
فرد فرد برادرانم را در راه اسلام هدیه کن چون آنها امانتی بودند که
خداوند بشما عنایت کرد و اما تو ای برادرم نور چشم علی رضا نمی دانم
دربارهات چی بنویسم نمی دانم با چه زبانی بهت بگویم که دوستت داشتم.
برادر جان سلاح بر زمین افتاده ام را برگیر و در سینهات بفشار و گلوله هایش
را بر سینه دشمنان اسلام فرود آور. جای خالی ام را در سنگر تو و علی محمد
و حسین پرکنید که امروز درخت اسلام بخون من و تو و دیگر برادرانم
نیاز دارد.

برادر جان نگذار حاجی آقا و مادر گریه کنند از گریه آنها روحم
شکنجه می بیند. و شما خواهران عزیزم بدانید که سیاهی چادر تان از خون
سرخ من کوبنده تر است. سربلند باشید که لااقل یکنفر از این خانواده شهید
شد. اما شما دوستان همانطور که امامان فرموده، این دنیا محل عبور است
محل زندگی نیست. جز خدا بهیچ کس دل نبندید که شیطان در آن قرار
دارد و شما را از مسیر الهی باز میدارد اگر جسارتی از من سرزد مرا عفو
نمائید. دوستان عزیز نوارهای کافی را گوش کنید تا عاشق مهدی و دین
اسلام شوید .

و اما تو وحیدجان تو هم دستها را مشت کن و بر دهان دشمنان اسلام
بزن و مانند پدرت شجاع باش.
خدایا ترا بحق خون شهدا قسم میدهم امام ما را از تمام بلیات
محفوظ بدار و از عمر ما بکاه و به عمر رهبرمان بیفزای.
خدا حافظ، همگی تان را بخدا می سپارم.

زندگینامه پاسدار شهید حمیدرضا ایزدی

بسم الله الرحمن الرحيم

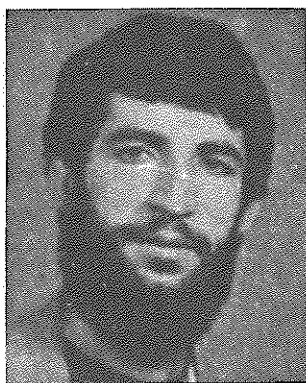
پاسدار شهید حمیدرضا ایزدی در سال ۱۳۳۸ در عالیکلای آمل
متولد گردید. دوران ابتدائی و راهنمایی را سپری و تا سال چهارم نظری
تحصیل کرد. او در ایجاد کتابخانه عمومی در زادگاهش عالیکلای
کوشش زیادی نمود و پس از سعی فراوان باتفاق دیگر دوستانش کتابخانه

را دایر کرد. بیشتر اوقاتش را به مطالعه و ارشاد و هدایت جوانان میپرداخت.

شهید ایزدی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در تظاهرات شرکت می نمود و با دادن شعارهایی بر ضد حکومت دیکتاتوری پهلوی، به پشتیبانی از امام عزیز و نیز پخش اعلامیه های رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی نقش بسزائی در روشنگری و حرکت مردم روستای خود داشت. وی بعد از برانداختن نظام پهلوی با نوشتن شعارهای مذهبی بر روی دیوارها و نیز کشیدن تصویرهایی از صحنه های جانبازی پاسداران و رزمندگان اسلام در میدانهای رزم به فعالیت خود مشغول بود.

سراسر عمر کوتاه و پر ارزشش را در کارها و فعالیت های اسلامی گذراند و حتی لحظه ای از جانبازی در راه امام و اسلام عزیز دست بر نمی داشت. شهید در تکیه عالی کلامیر برای اهالی جلسات شبانه تشکیل میداد تا روستائیان را بوظائف خطیرشان در قبال انقلاب خونبار اسلامی آگاه نماید. از وی در کارهای فرهنگی در روستایش آثاری پربار و با ارزش بجای مانده است. از خصوصیات اخلاقی او طرفداری از مستضعفین جامعه بود و تمام دوستان و رفقاییش از محرومین جامعه بودند. همیشه در عبادتش و نمازهایش تنها دعایش این بود که خدایا از عمر من بکاه و بر عمر رهبر عزیزمان بیفزای.

شهید در زمان درگیری شهر قهرمان آمل به همراه دیگر دوستانش به مبارزه با گروهکهای آمریکائی پرداخت و در پشت یکی از سنگرها از هزار سنگر، مزدوران کوردل او را به رگبار گلوله بستند اوقبل از شهادتش به هم سنگرانیش گفته بود اگر شهید شدم مرا به زادگاهم ببرید تا شاهدی زنده و سند رسوائی گروهکهای آمریکائی برای اهالی روستا باشم.



وصیت‌نامه پاسدار شهید همت... متو

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون.
گمان نکنید آنهایی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه آنها
زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

قرآن کریم

اینجانب همت... متو فرزند قنبرعلی ساکن روستای باغبانکلا
قلعه کش می‌باشم. در دوران کودکی همیشه در فکر این بودم که چه کسی
این جهان پر عظمت و پیچ و خم را با نظم خاصی آفریده. بعد از جستجو
و تحقیقات به وجود خدا پی بردم. بعد از مطالعه در مورد مبارزات و
جانبازی سربازان صدر اسلام، عاشق شهادت شدم، از طرفدیگر، از زندگی
حیوانی و مادی بیزار شدم، زیرا افرادی که طرز فکرشان چنین باشد فقط
در فکر شکم و پرشدن آن بوده، دست به کشتار هزاران تن از افرادی گناه
می‌زنند.

از جمله در فلسطین - لبنان - افغانستان. چنین افرادی هدف
مشخصی نداشته و در نتیجه سردرگم و دیوانه‌وار زندگی می‌کنند. بدین
ترتیب اسلام را به عنوان عالیترین مکتب و بخاطر همین از خداوندتبارک
و تعالی خواستارم، تا سرحد جانم، به اسلام وفادار بمانم.

اما امروز توجه زیادی به انقلاب و رهبر انقلاب باید داشته باشیم، زیرا این رهبر نایب برحق امام زمان است. شخصی است عظیم که زبانم از بیان آن وقلم قدرت نوشتن آنرا ندارد تا در مورد ایشان چیزی بگویم یا چیزی بنویسم. ولی همینقدر در مورد ایشان اشاره می‌کنم که هدف امام جز اسلام و پیاده شدن قوانین اسلام چیز دیگری نیست. قدر امام را بدانید حتی اگر به قیمت جان شما تمام بشود. دست از امام بردارید و حرف او را از دل و جان پذیرا باشید. نصیحت دیگرم این است که همیشه قرآن بخوانید خوب فکر کنید که منظور از گفته‌های خدا چیست و دیگران را هم در همین امر خیر تشویق کنید. مسئله دیگر این که هیچ لحظه‌ای امر بمعروف و نهی از منکر را فراموش نکنید. و مسئله دیگر مسئله منافقین که تازگی ندارد. منافقین از صدر اسلام هم بوده‌اند و امروز هم هستند. نسبت به آنها هیچ رحمی نباید کرد و با قاطعیت تمام با آنها برخورد کنید. من همیشه منتظر کاروانی بودم که بسوی ا... می‌رود، تا این کاروان مرا هم با خود ببرد.

پدرم، هر چند می‌دانم که بزرگ کردن يك فرزند مشکل است و از بزرگ کردن يك فرزند امید داری تا بهره‌ای ببری ولی چه بهره‌ای بهتر از اینکه فرزندی را بزرگ کنی و در راه خدا ببخشی، که این باعث افتخار هر پدری باید باشد تا فرزند خودش را در چنین مسیری بفرستد. پدرم، در این زمان از طرف خداوند مورد امتحان قرار گرفتیم تا اینکه، چقدر به اسلام توجه داریم. پدرم، صد آفرین بر شما که با این همه کاری که دارید فرزند خودت را به جبهه حق فرستادی.

اگر شهید شدم مجلسی که برپا می‌کنید خیلی ساده باشد. دیگر اینکه اگر اشتباهی و گناهی نسبت به شما انجام داده‌ام در راه خدا مرا ببخشید. مادر عزیزم، این را می‌دانم که بزرگ کردن يك فرزند خیلی برای مادر زحمت دارد. هر مادری امید دارد تا از فرزند خود بهره‌ای ببرد، اما مادر تو چه استفاده‌ای بهتر از بزرگ کردن يك فرزند و بخشیدن در راه خدا داری. مادرم شما مسئولیت زیادی دارید و آن اینکه افرادی را باید